

غلامرضا میرزا زاده، آهنگساز:

یکی از بخش‌های اصلی این نمایش، موسیقی است

اساس کار آهنگسازی در پروژه‌هایی مانند نمایش «ستارخان» چگونه پیش می‌رود؟

تقریباً ۳۰ سال است که من کار آهنگسازی نمایش و فیلم انجام می‌دهم اما موسیقی آثاری مانند ستارخان که حرکات نمایشی و فرم دارند کمی سخت‌تر است به همین دلیل ما همزمان و در هماهنگی با کارگردان، طراح حرکات و کروگراف آهنگسازی را آغاز کردیم. در این مسیر لازم است که اتود بنویسیم و بازیگران در تمرینات از این اتودها استفاده کنند و بر اساس نتیجه، تغییراتی ایجاد کنیم تا اینکه در اتودهای کار به نتیجه مطلوب برسیم و بعد کارهای تنظیم و آراژمان را انجام دهیم. یکی از ویژگی‌های نمایش «ستارخان» این بود که فرازهای متفاوت و مختلفی از نظر حسی داشت یعنی هم فرازهای به شدت حماسی دارد و هم فرازهای احساسی و این قضیه کار آهنگسازی این اثر را کمی سخت‌تر می‌کرد و هر چند که من تجربه آهنگسازی برای آثاری از این دست را داشتم اما کار «ستارخان» برایم کمی متفاوت بود و علتش هم حجم بالای کارهای ریتمیک و موزیکال بود که الحمدالله بر اساس بازخوردهایی که گرفته‌ایم می‌توان گفت کار خوبی از آب درآمده و من خوشحالم که در کنار این تیم کار کردم.

در سازبندی آیا سازهای آذربایجانی استفاده شده است؟

درست است که از نظر جغرافیا ستارخان در آذربایجان و تبریز بوده ولی بعضی از موسیقی‌های این کار جغرافیای خاصی ندارد و می‌توان آنها را موسیقی جهانی دانست اما من از سازهای آذربایجانی یعنی از تار و کمانچه آذربایجانی و بالابان استفاده کردم به خصوص در صحنه‌ای که به تشییع یکی از شهدای مبارزه به دستان مادرش پرداخته می‌شود از ساز بالابان استفاده شد و نکته جالب اینجاست که از بالابان در عروسی، برای بدرقه عروس و داماد هم استفاده می‌شود. برای سازهای ضربی و کوبه‌ای از ساز ناقارا در کنار سازهای جهانی استفاده شده همین‌طور از آوا و مقام، مقام همان موسیقی مقامی یا موسیقی ردیف-دستگاهی آذربایجانی است و ما در این نمایش گاه از مقام و گاه از آواهای زنانه و مادرانه استفاده کردیم.

از تجربه کار نمایش «ستارخان» بگوئید.

در این گونه نمایش‌ها موسیقی نقش مهمی دارد و در واقع یکی از بخش‌های اصلی این نمایش، موسیقی است. بر اساس نظر سنجی‌هایی که من دیدم موسیقی کار نیز به شدت مورد پسند قرار گرفته بود. بنابراین درست است که در این چند ماه سختی زیادی کشیدیم و کار کردن با آقای صدیق جمالی خیلی سخت است چون ایشان بسیار سخت‌گیر هستند و موسیقی باید به موقع، درست سر جایش و بیانگر آن صحنه باشد و به کل کار کمک کند ولی به نظرم کار موفقی بود و امیدوارم که تماشاگران نیز بیسندند.

بابک قیصری، طراح حرکت و کروگراف:

هفت ماه پر از تمرین و تکرار داشتیم

کار خود را در زمینه تئاتر چگونه آغاز کرده‌اید؟

من تقریباً از سال ۸۲ در زمینه رقص آذربایجانی فعالیت دارم و از سال ۹۰ سمت تئاتر آمدم و در حال حاضر نیز علاوه بر نمایش «ستارخان» با نمایش «ملک محمد» که به صورت کارگردانی مشترک با برادرم سهند قیصری بوده در جشنواره تئاتر فجر حضور داریم. من و برادرم برای نمایش «ستارخان» از رفتار و حرکات‌هایی استفاده کردیم که بر اساس تاریخ معاصر و ترکیبی از حرکات فولکلوریک رقص آذربایجانی است. در واقع ما رقص آذربایجانی را به صورت معاصر و به صورت باله و باله معاصر طراحی کردیم و این باعث می‌شود که بیننده از این جلوه‌های بصری نیز لذت ببرد.

نمایش «ملک محمد» به چه موضوعی می‌پردازد؟

نمایش «ملک محمد» اثری فیزیکی و بر اساس یکی از افسانه‌های کهن آذربایجانی است که ما از لحاظ داستانی به آن شاخ و برگ دادیم و از لحاظ تکنیک و حرکات کاری متفاوت و پراز شگفتی است. داستان این نمایش و حرکت آن در هم تنیده هستند و من فکر می‌کنم که برای مخاطب می‌تواند جذاب باشد.

با توجه به اینکه «ستارخان» در حدود ۱۲۰ بازیگر دارد

هماهنگی با این کست چه چالش‌هایی برای شما داشت؟

حقیقتش بسیار سخت بود چون تمام این حرکات طراحی شده را باید با گروهی که هنوز بسیار جوان و تازه کار بودند هماهنگ و اجرا می‌کردیم بر همین اساس ما هفت ماه پر از تمرین و تکرار داشتیم و به صورت شبانه‌روزی روی طراحی حرکات و تمرین آنها کار شد.



کدام از سالن‌های تئاتر تبریز مناسب اجرای این اثر نبود.

محمد زیرک، بازیگر نقش ستارخان:

برای این نقش ۱۳ کیلو وزن کم کردم

من از سال ۹۰ و از آموزشگاه نمایش آقای صدیق جمالی وارد عرصه بازیگری شدم و در حین انجام فعالیت‌های تئاتری و سینمایی به کار دوبلاژ نیز مشغول هستم. در حدود سال‌های ۹۱ تا ۹۲ آقای رامین راستی نمایشی از ستارخان به روی صحنه برد و من نقش کوچکی در آن نمایش ایفا می‌کردم اما پس از آشنایی با آقای صدیق جمالی و کار کردن با ایشان و در حین نمایش «لیلی و مجنون» بود که ایشان به من پیشنهاد نقش ستارخان را دادند و من در عرض چند ماه حدود ۱۳ کیلو وزن کم کردم تا فرم استخوان بندی صورت و بدنم تقریباً به این کاراکتر تاریخی نزدیک شود.

با توجه به اینکه ستارخان یک کاراکتر تاریخی است برای نزدیک شدن به این کاراکتر چه مطالعات و تحقیقاتی انجام دادید؟

با توجه به اینکه قبلاً در نمایش ستارخان کار کرده بودم پیش زمینه‌ای از این کاراکتر داشتم ولی از آنجایی که قرار بود این بار خودم ستارخان را بازی کنم دوباره و این بار عمیق‌تر تحقیق کرده و پیش رفتم و هر چه که پیش رفتم به جذابیت این کاراکتر افزوده می‌شد. کاراکتری که هر چند بی‌سواد، اما سواد جنگاوری و رزم داشته و بسیار سخنور بوده است. جملات قصاری که از او به جا مانده سخنانی است که شاید از یک فرد بی‌سواد بعید است و انتظار نمی‌رود.

این استقبال و باز خورد مخاطب چه تاثیری بر شما داشت؟

من فکر نمی‌کردم که نمایش با چنین استقبالی روبرو شود و برای من به شخصه بسیار چالش برانگیز بود. باز خوردی که از مخاطبان به خصوص اقوام و بازماندگان ستارخان گرفتم نیز خیلی جالب بود و معتقد بودم که شخصیت، گفتار و بیانی که انتخاب کرده‌ام دقیقاً شبیه ستارخان بوده البته این نظر لطف مخاطبان بود ولی من هم تمام تلاشم را کردم که این کاراکتر تاریخی و شناخته شده را آنگونه که در تاریخ آمده ادا کنم.

آیا این مسئله یک بار مسئولیت مضاعف بر دوش شما گذاشته است؟

بله صد در صد. بخصوص که با توجه به تعداد مخاطبی که از کار استقبال کردند پس از نمایش در کوچه و خیابان مرا می‌شناختند.

می‌رسد در این زمینه چگونه پیش رفتید؟

معمولاً خودم تهیه کننده آثار خودم هستم و با توجه به سابقه‌ای که در تبریز دارم و محبت همشهریان و مخاطبین تئاتر تبریز تقریباً می‌دانستم که استقبال خوبی از این نمایش خواهد شد و به همین دلیل بحث سرمایه‌گذاری را خودم انجام دادم اما یکی از همکاران و دوستان قدیمی‌ام آقای دکتر علی مرابتی تهیه کننده در کنار ما بودند.

در تهران نیز بیشتر این سالن‌ها خصوصی هستند که سعی در جبران کمبود سالن‌های نمایش دولتی دارند در همین راستا آیا انجمن نمایش نمی‌تواند مستقلاً ریزنی‌های با صاحبان صنایع بزرگ برای سرمایه‌گذاری در امر فرهنگی و هنری داشته باشد؟

تشکیلی به نام انجمن هنرهای نمایشی کشور بیشتر یک شوخی است و اگر حقوق پرسنل و اجاره‌ای که برای دفتر این انجمن، بلیط‌ها و هزینه‌های مسافرت‌های مربوط به آن را اساساً حذف و صرف خود تئاتر می‌کردند باور کنید نتیجه از آنچه که امروز می‌بینیم بهتر می‌بود. دفاتر انجمن در استان‌ها و شهرستان‌ها به نوعی شعبات دفتر مرکزی انجمن در تهران هستند. فرض کنید در طول سال انجمن در مجموع ۳۰ میلیون تومان به یک استان کمک می‌کند که اگر به شهرستان‌های تقسیم شود حتی هزینه چای آن دفتر را نیز تامین نمی‌کند. در واقع این استقلال زمانی می‌تواند وجود داشته باشد که این انجمن تشخص مستقلی داشته باشد تا بتواند از پتانسیل صنعت، شهرداری‌ها و برخی امکاناتی که می‌توان از آن در جهت رونق تئاتر بهره‌برداری کرد، استفاده کند. وقتی انجمن هیچ مسئولیت حقوقی در این زمینه ندارد و نمی‌تواند وارد این ماجرا شود بیش از این نمی‌توان توقع داشت. همانطور که گفتید در چند سال اخیر نیز سالن‌های دولتی چندانی در تهران ساخته نشده اما از آنجایی که سالن‌های بیشتری از گذشته در تهران وجود داشته که شهرستان‌ها از همان نیز محروم بوده‌اند تهران در وضعیت بهتری قرار گرفته و شهرستان‌ها همچنان با فقر در این زمینه مواجه هستند. هر چند که مجتمع‌هایی ساخته شده اما نمی‌توان این مجتمع‌ها را که عموماً چند منظوره هستند به عنوان سالن حرفه‌ای تئاتر قلمداد کرد و بر همین اساس هم چندانی در اختیار تئاتر نیستند بماند که اکثر خصوصاً سازی و به این بخش اجاره داده شده‌اند که این مسئله هم کار را برای هنرمندان سخت‌تر کرده است. به همین علت ما با کمی استانداردسازی نمایش «ستارخان» را در مرکز همایش‌های بین‌المللی خاوران که یک سالن برای برگزاری کنسرت با ظرفیت ۱۳۰۰ نفر است اجرا کردیم چون متأسفانه فضای سن هیچ